خبر

## هر بشکه نفت به بیش از ۶۰ دلار رسید

در پی توقف موقت تولید در بزرگ‌ترین میادین نفتی قزاقستان و تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک میان آمریکا و اروپا، قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایش یافت. به گزارش مهر، دیروز عصر و هم‌زمان با بازگشایی بازارهای آمریکا، قیمت قراردادهای آتی نفت خام وست تگزاس اینترمدیت (WTI) با بیش از ۱.۵ درصد افزایش به بالای ۶۰ دلار در هر بشکه رسید.

این در حالی است که پیش‌تر در جلسه معاملاتی روز قبل به زیر ۵۸ دلار رسیده بود. همچنین قراردادهای آتی نفت برنت با یک درصد افزایش به حدود ۶۴.۸ دلار در هر بشکه رسید. براساس گزارش وب‌سایت تریدینگ ایکونومیکس این رشد عمدتا در واکنش به توقف موقت تولید از طرف بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت قزاقستان در میادین تنگیز و کورولف پس از آتش‌سوزی در تأسیسات تولید برق رخ داده است.

از سوی دیگر، معامله‌گران در حال ارزیابی تنش‌های فزاینده ژئوپلیتیک بین آمریکا و اروپا هستند. این تنش‌ها پس از اظهارات جدید دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، درباره گرینلند و واکنش رهبران اروپایی به تعرفه‌های احتمالی آمریکا تشدید شده است. ترامپ پیش از سخنرانی خود در مجمع جهانی اقتصاد داووس، بر ضرورت تحت کنترل درآوردن گرینلند از طرف آمریکا تأکید کرد و هرگونه مقاومت احتمالی اتحادیه اروپا را کم‌اهمیت خواند. این تشدید، نگرانی‌ها درمورد یک درگیری تجاری گسترده‌تر بین آمریکا و اتحادیه اروپا را احیا کرده است که می‌تواند رشد اقتصادی جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، تأثیر مستقیم این تنش‌ها بر قیمت نفت تاکنون محدود بوده است.

## طلا از مرز ۴۸۰۰ دلار گذشت

قیمت طلا در معاملات روز چهارشنبه بازار جهانی به بالای چهارهزارو ۸۰۰ دلار در هر اونس صعود کرد که ناشی از تقاضای امن برای دارایی‌های امن و کاهش ارزش دلار به دلیل اختلاف آمریکا و اتحادیه اروپا بر سر گرینلند بود. به گزارش ایسنا، قیمت هر اونس طلا برای تحویل فوری که در ابتدا تا مرز چهارهزارو ۸۴۳دلارو ۶۷ سنت پیشروی کرده بود، با ۱.۲ درصد افزایش، به چهارهزارو ۸۲۱دلارو ۲۶ سنت رسید. قیمت هر اونس طلا در بازار معاملات آتی آمریکا برای تحویل در فوریه با یک درصد افزایش به چهارهزارو ۸۱۳دلارو ۵۰ سنت رسید. کایل رودا، تحلیلگر ارشد بازار در وبگاه کپیتال دات کام، گفت: «این از دست دادن اعتماد به آمریکا ناشی از اقدامات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در آخر هفته برای اعمال تعرفه بر کشورهای اروپایی و افزایش اجبار او در تلاش برای تصرف گرینلند است. افزایش قیمت طلا نشان‌دهنده ترس از تنش‌های ژئوپلیتیکی جهانی است».

ترامپ روز سه‌شنبه گفت که هیچ راه برگشتی در هدفش برای کنترل گرینلند وجود ندارد و احتمال تصرف این جزیره قطبی با زور و حمله به متحدان ناتو را رد نکرد. در همین حال امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، در انتقاد شدید از تهدید ترامپ مبنی بر اعمال تعرفه‌های سنگین در صورت اجازه‌ندادن اروپا به او برای تصرف گرینلند، در داووس گفت که اروپا تسلیم قلدرها نخواهد شد و مرعوب نخواهد شد. رودا گفت: «بدیهی است که سرمایه‌گذاران در حال فروش دلار، فروش اوراق خزانه‌داری، به‌ویژه در بلندمدت، و خرید طلا هستند، زیرا درحال‌حاضر اعتماد بیشتری به طلا در مقایسه با ارز آمریکا وجود دارد».

براساس گزارش رویترز، دلار در برابر یورو و فرانک سوئیس نزدیک به پایین‌ترین سطح سه هفته اخیر خود قرار گرفت. دلار ضعیف‌تر، فلزات گران‌بها را برای خریداران خارجی ارزان‌تر می‌کند.

در بازار سایر فلزات ارزشمند، هر اونس نقره برای تحویل فوری، پس از رسیدن به رکورد ۹۵دلارو ۸۷ سنت در روز سه‌شنبه، یک درصد کاهش یافت و به ۹۳دلارو ۵۹ سنت رسید. هر اونس پلاتین برای تحویل فوری پس از ثبت رکورد دوهزارو ۵۱۱دلارو ۸۰ سنت در اوایل معاملات، با ۰.۷ درصد کاهش، به دوهزارو ۴۴۵دلارو ۹۶ سنت رسید، درحالی‌که پالادیوم با ۰.۵ درصد کاهش، به هزارو ۸۵۷دلارو ۱۹ سنت در هر اونس رسید.

یادداشت

## نیاز شهرها به متولی قوی ناظر بر حفاظت و بازآفرینی شهری

ادامه از صفحه اول

و همین مفاهیم بود که از ابتدا در تمام طول دهه‌های ۸۰ و ۹۰ سرمشق کار شرکت عمران و بهسازی یا شرکت بازآفرینی شهری قرار گرفت. این شرکت علاوه بر محلات (تاریخی یا قدیمی، ناکارآمد، حاشیه‌ای و در معرض خطر)، پروژه‌های مهمی برای ساماندهی به فضاهای عمومی شهری را نیز در کارنامه خود دارد. میدان‌های اصلی شهرهای رشت، همدان، شیراز، گرگان، پیاده‌راه سنندج، و تنها ۱۶ مورد بازآفرینی رودخانه‌های زیبا Riverside Regeneration در شهرهای اردبیل، ارومیه، ساری، و... . علاوه بر عرصه‌های عمومی زیبا، شرکت بازآفرینی مرمت مراکز فرهنگی میراثی را نیز به‌عنوان خانه‌های فرهنگی فعال در چندین شهر ازجمله تهران در کارنامه دارد که گاه بعد از چند سال به کمک شهرداری و میراث گسترش‌یافته، به عنوان مکان‌های عمومی معروفی برای استفاده کل شهرشان قرار گرفتند.

به‌عنوان جمع‌بندی باید بگویم شرکت بازآفرینی شهری سیاستی نو و نگاهی نوین را در عرصه نگرش شهرسازی امروز کشورمان پایه‌گذاری کرد. ستاد ملی بازآفرینی شهری توانست همکاری ارگان‌هایی مانند وزارت کشور، سازمان میراث، وزارت بهداشت و آموزش و ده‌ها نهاد دولتی و شهرداری‌ها را به سیاست‌های خود جلب کند و این هماهنگی از دوباره‌کاری‌ها کاست و مفید بود. پاشاندن چنین شرکت کوچک اما کارآمدی از سوی دولت و سیاست‌گذاران‌مان واقعا حیف و ناگوار خواهد بود.

## کاغذپاره‌ها

ادامه از صفحه اول

یعنی به مردم نمی‌گویند که مشکل در تنگناهای به‌وجودآمده به واسطه استکبار جهانی و البته سیاست‌های اقتصادی داخلی است و این خط همچنان ادامه دارد. وزیر نفت فعلی پس از تهدید رئیس‌جمهور آمریکا به وضع تعرفه ۲۵ درصد برای کشورهای مرتبط اقتصادی با ایران می‌گوید که این تهدید هیچ اثری نداشته و ما به‌خوبی نفت خود را همچنان می‌فروشیم.

هرچند آگاهی و باور به نکته‌های این نوشته که مشتی از خروار است، اندکی تلخی به همراه دارد اما چرا با واقعیت روبه‌رو نشویم. ایستادن بر پای و زندگی با شرف و دور از زبونی و پستی هزینه دارد اما همچنان ما می‌توانیم نظام اقتصادی خود را با پیراستن از اسراف، رانت، فساد، تبعیض، قاچاق، زیاده‌خواهی، دوری از گرایش‌های اشرافی به نفع قاطبه مردم و تأمین زندگی مردم برپا داریم. فراموش نکنیم که زندگی بدون شرافت هیچ ارزشی ندارد اما اگر به شرافت و سربلندی در مقابل استکبار معتقدیم باید در داخل خود را از هرگونه شائبه که به شرافت و سربلندی ما لطمه وارد می‌کند، بزداییم. درآن‌صورت هم می‌توانیم انقلابی و استکبارستیز باشیم و هم زندگی داخلی‌مان و از همه مهم‌تر حفظ ایران را سرلوحه کار قرار دهیم.

اقتصاددانان از چگونگی انحراف مسیر سیاست‌های حمایتی دولت از فقرا می‌گویند

# یارانه؛ تورم‌زا یا تورم‌زدا؟

عکس: مرتضی نیکوبدل، Nurphoto

**کیمیا نعمت‌اله: یارانه، سیاستی است که قرار بود فقر را کم کند، اما ریشه‌های تورم را عمیق‌تر کرد. دولت در حال حاضر به طیف گسترده‌ای از ایرانیان یارانه پرداخت می‌کند. دولت‌های مختلف بارها و بارها اعلام کرده‌اند که پرداخت یارانه بار مضاعفی بر دوش دولت‌هاست و بخش درخور توجهی از بودجه کشور صرف پرداخت یارانه به مردم کشور می‌شود. بااین‌حال، یارانه نه‌تنها نتوانسته فقر را کاهش دهد، بلکه فقر در جامعه تشدید شده است. تا آنجا که بسیاری از مردم کشور در واکنش به واریز خبر یارانه یک میلیون تومانی در صفحات شخصی خود نوشته‌اند: «پرداخت یارانه، کوپن و کالابرگ، صف مرغ و گوشت و برنج و... تحقیرآمیز است». این موضوع در حالی رخ می‌دهد که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته ازجمله آمریکا نیز سیاست‌های حمایتی مانند بانک غذا اجرا می‌کنند. اقتصاددانان معتقدند تفاوت اساسی بین سیاست حمایتی مانند بانک غذا در آمریکا و کالابرگ در ایران، در این است که سیاست‌های اقتصادی در ایران تولیدکننده فقر است و در نتیجه شمار فقرا آن‌قدر گسترده شده که دولت ناچار است به جمعیت بزرگی یارانه بدهد و از آن سمت منابع مالی برای تأمین یارانه این جمعیت بزرگ جوابگو نیست. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌های اقتصادی در جهت توسعه رفاه است و شمار افرادی که مشمول حمایت دولت هستند، جمعیت کوچکی را شامل می‌شود.**

### دوراهی یارانه

دولت‌های مختلف کالابرگ و یارانه را به‌عنوان راه‌حلی برای جلوگیری از تورم معرفی کرده‌اند، اما در نهایت تجربه نشان داده است این سیاست، نه‌تنها به کاهش فقر کمکی نکرده، بلکه به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تورم شناخته شده است. با وجود این تجربه، دولت‌های بعدی نیز عملا از این مسیر خارج نشدند و در دولت ابراهیم رئیسی، یارانه نقدی ۳۰۰ هزار تومانی تعیین شد و امروز در دولت پزشکیان مجموع پرداخت‌های حمایتی و کالابرگی به خانواده‌ها به یک میلیون تومان رسید؛ افزایشی که در ظاهر نشانه توجه به معیشت مردم است، اما در عمل بیش از آنکه قدرت خرید را افزایش دهد، به موتور اصلی تورم تبدیل شده است. برخی کارشناسان معتقدند یارانه نقدی وارد چرخه‌ای معیوب شده و ناتوانی دولت در تأمین منابع لازم برای جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی، شوک‌های جدیدی را ایجاد کرده است. ابزارهایی مانند ارز ترجیحی، بدون ایجاد سازوکار جایگزین مؤثر موجب شده قیمت کالاهای اساسی با سرعت بیشتری افزیش یابد و اقشار کم‌درآمد را هدف قرار دهد. از سوی دیگر، دامنه شمول کالابرگ به تدریج گسترش یافته و به جای تمرکز بر دهک‌های پایین، بخش بزرگی از جامعه را در بر گرفته است. نتایج نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد تنها ۷.۸ درصد از افراد مبلغ کالابرگ را برای تأمین نیازهای ضروری خود کافی می‌دانند و به‌طور کلی نشان می‌دهد این سیاست نتوانسته شکاف میان درآمد و هزینه را پر کند. تا زمانی که یارانه‌ها به صورت گسترده و همگانی به تمامی دهک‌ها داده می‌شود، اثر تورمی آن نیز پابرجا خواهد بود؛ فارغ از اینکه از آن به‌عنوان یارانه، کالابرگ یا «حق شهروندی» یاد شود. در اینجا پرسشی مطرح می‌شود که آیا می‌توان از تجربه دیگر کشورها در حوزه سیاست‌های حمایتی بهره گرفت؟ تجربه‌ای که از آن تحت عنوان «بانک غذا» یاد می‌شود؛ مدلی که بیش از چند دهه در کشورهایی مانند آمریکا و برخی کشورهای اروپایی اجرا شده است. در این الگو، مجموعه‌ای از اقلام غذایی ضروری تهیه می‌شود و برخلاف یارانه نقدی، در بانک غذا پولی به دست خانوار نمی‌رسد و این الگو فقط خانوارهای کم‌درآمد را شامل می‌شود و در نتیجه نه تقاضای پولی افزایش می‌یابد و نه فشار جدیدی بر قیمت‌ها وارد می‌شود.

### اقتصاددانان چه می‌گویند؟

مرتضی افقه، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با «شرق» توضیح داد: یارانه و حمایت‌های معیشتی در اغلب کشورهای دنیا سیاستی استثنائی است و ابزارهایی مثل کوپن، کالابرگ، سقف قیمت و کنترل بازار معمولا باید در شرایط بحرانی، جنگ یا رکود شدید یا در زمان شوک‌های موقتی به کار گرفته شود. اما این ابزارها در ایران به جای آنکه موقتی باشد، نزدیک به سه دهه است به یک وضعیت دائمی تبدیل شده؛ وضعیتی که نه‌تنها فقر را ریشه‌کن نکرده، بلکه به موتور اصلی تورم و نابرابری تبدیل شده است. او معتقد است مشکل اصلی نه‌تنها مقدار یارانه، بلکه فلسفه غلط توزیع آن است؛ از پرداخت به تمام دهک‌ها گرفته تا تغییر نام یارانه به اسم جدیدی به نام «حق شهروندی».

این اقتصاددان در ادامه اشاره می‌کند: یارانه در هیچ کجای دنیا به همه مردم پرداخت نمی‌شود و در کشورهایی مثل آمریکا، چیزی تحت عنوان «بانک غذا» وجود دارد که مقدار کالای مشخصی نه به همه افراد جامعه بلکه به افراد نیازمند، در زمان‌های خاص داده می‌شود. البته مقایسه ایران با کشورهایی مانند آمریکا و اروپای غربی اساسا درست نیست؛ چراکه ساختار اقتصادی و سطح رفاه این کشورها متفاوت است. برای مثال، در کشورهای اروپای غربی یا آمریکا اصولا چیزی به نام فقر مطلق وجود ندارد و نابرابری بیشتر در سطح فقر نسبی است، اما در ایران نزدیک به سه دهه است که اقتصاد کشور آسیب‌پذیر شده و این روش‌ها پاسخ‌گو نیست.

به باور این کارشناس، مسئله ایران وجود گستردگی فقر و آسیب‌پذیری است که باعث شده حداقل شش یا هفت دهک جامعه نیازمند نوعی کمک باشند که در این شرایط، خطای بزرگ سیاست‌گذار در همین‌جا رخ می‌دهد؛ «اینکه کالابرگ یا یارانه به همه افراد جامعه داده می‌شود. حتی در شرایط فعلی، دهک دهم و نهم نباید هیچ نوع یارانه‌ای بگیرد. حمایت معیشتی باید هدفمند و مبتنی بر دهک‌بندی واقعی باشد، نه تصمیمات سیاسی یا ملاحظات اجتماعی کوتاه‌مدت. وقتی به دهک‌های بالا کالابرگ می‌دهیم، هم منابع را هدر داده‌ایم و هم مفهوم حمایت اجتماعی را از بین برده‌ایم».

او در پایان تصریح کرد: «حذف ارز ترجیحی و پرداخت مابه‌التفاوت به مردم، صرفا تغییر نام یک سیاست شکست‌خورده است که این سیاست نه جلوی تورم را می‌گیرد و نه قدرت خرید را حفظ می‌کند و در نهایت دولت از همان مردم مالیات می‌گیرد که دوباره به آنها کوپن و یارانه بدهد».

### یک‌ششم بودجه خرج یارانه می‌شود

جعفر خیرخواهان، دیگر کارشناس اقتصادی نیز با اشاره به سابقه طولانی بانک غذا در آمریکا تأکید می‌کند: «این الگو دست‌کم ۶۰ سال است به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست اجتماعی در آمریکا اجرا می‌شود؛ ابزاری که اساس آن نه پول‌پاشی بلکه تأمین حداقل‌های معیشتی به صورت هدفمند است. در مدل بانک غذا، مجموعه‌ای از کالاهای ضروری و پایه، عمدتا اقلام غذایی، از طریق فروشگاه‌ها یا مراکز مشخص در اختیار افراد کم‌درآمد قرار می‌گیرد و اگر فردی به سطحی از درآمد برسد که دیگر نیازمند نباشد، این حمایت می‌تواند قطع شود».

او معتقد است: «تفاوت بنیادین میان تجربه آمریکا و سیاست‌های حمایتی در ایران، مربوط به بخش حمایتی نیست، بلکه ریشه در دامنه شمول آن دارد؛ یعنی در ایران قرار بود کالابرگ فقط به سه دهک داده شود و بعد به پنج دهک و هفت دهک رسید و امروز عملا به همه مردم داده می‌شود و این گسترش تدریجی، نشانه‌ای از شکست این سیاست است؛ چراکه دامنه شمول گسترده‌تر شده و اثربخشی حمایت کمتر و هزینه آن سنگین‌تر شده است».

این کارشناس در ادامه با اشاره به تبعات مالی این سیاست تصریح کرد: «تبعات مالی این سیاست بسیار فراتر از آن چیزی است که در ظاهر دیده می‌شود. حدود یک‌ششم بودجه کشور صرف پرداخت کالابرگ و حمایت‌های یارانه‌ای می‌شود و وقتی چنین سهم بزرگی از بودجه صرف حمایت‌های غیرهدفمند می‌شود، منابع مالی دولت برای حوزه‌های حیاتی دیگر مثل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و حمایت مؤثر از دهک‌های پایین جامعه کاهش می‌یابد و در نتیجه دولت هم‌زمان هم منابعش را از دست می‌دهد و هم قادر نیست فقر را به‌طور واقعی کاهش دهد. در نهایت، درحالی‌که بانک غذای آمریکا با دامنه شمول محدود و تمرکز بر امنیت غذایی عمل می‌کند، سیاست کالابرگ در ایران به دلیل گستردگی فقر، به یک حمایت پرهزینه تبدیل شده است و حمایت به جای هدفمندبودن، شکلی همگانی به خود گرفته که این رویکرد، این سیاست را از هدف اصلی خود دور کرده است».

### اقتصاد در وضعیت اضطراری

سهراب دل‌انگیزان، دیگر کارشناس اقتصادی، با اشاره به دو منطق متفاوت بازار و بانک غذایی، به «شرق» توضیح داد: «در سیاست‌گذاری معیشتی معمولا دو رویکرد اصلی در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند؛ رویکرد اول مبتنی بر بازار و رویکرد دوم مبتنی بر بانک غذایی است. تفاوت این دو صرفا در ابزار اجرا نیست، بلکه در منطق اقتصادی آن است. در مدل بازارمحور، قیمت‌ها از طریق عرضه و تقاضا شکل می‌گیرند و دولت در بهترین حالت می‌تواند نقش ناظر را ایفا کند و در مقابل، در مدل بانک غذایی که در کشورهایی مثل آمریکا وجود دارد، اقلام اساسی را مستقیما در اختیار خانوارها قرار می‌دهند. میان این دو الگو یک حالت میانی وجود دارد که در آن، کالا به صورت کوپنی یا کالابرگ عرضه می‌شود و مصرف‌کننده در کنار دریافت کالا، وجهی نیز پرداخت می‌کند. طرحی که امروز در ایران اجرا می‌شود، از نظر شکلی به این مدل نزدیک است».

از نگاه این کارشناس، این مدل حمایتی در دو شرایط متفاوت، راه‌حل‌های متفاوتی هم دارد. برای مثال، در شرایط جنگی یا بحران شدید، بازار دچار اختلال و رفتارهای هیجانی می‌شود و دولت باید کالاهای اساسی را مستقیما خریداری کند و آنها را از سیستم بازار عادی خارج کند و به صورت کوپنی در اختیار خانوارها قرار بدهد و در نهایت هدف آن در وضعیت جنگی یا بحرانی، حفظ امنیت غذایی و معیشتی باشد. شرایط دوم در حالت عادی اقتصاد است که یارانه یا کالابرگ و ارز ترجیحی نباید وجود داشته باشد و قیمت‌ها به صورت شفاف در بازار شکل بگیرند. اما مسئله اصلی اینجاست که اقتصاد ایران سال‌هاست در وضعیت عادی قرار ندارد و در شرایط تحریم‌ها به سر می‌برد.

به گفته این کارشناس، نمی‌توان اقتصاد ایران را با منطق بازار آزاد اداره کرد. درحالی‌که تحریم‌های خارجی وجود دارد و امکان تولید همه کالاهای اساسی در داخل کشور فراهم نیست، در بازاری که مدیریت هم نباشد، واردکننده کالایی را وارد می‌کند که بیشترین سود را داشته باشد و در چنین شرایطی، عرضه کالاهای ضروری کاهش می‌یابد و تورم دوباره شکل می‌گیرد، در نهایت دولت ناچار به مداخله مستقیم می‌شود؛ زیرا اقتصاد در زمان جنگ یا تحریم منطق متفاوتی دارد و چون بازار هیجانی شکل می‌گیرد، دولت باید مداخله خود را انجام دهد و سیاست کوپنی تا زمان رفع تحریم یا پایان شرایط بحرانی ادامه یابد. در نهایت، در شرایط تورمی و بحرانی، سپردن کامل معیشت مردم به بازار نه‌تنها امنیت غذایی را تضمین نمی‌کند، بلکه خود به منبع بی‌ثباتی و تورم تبدیل می‌شود و دخالت هدفمند دولت از طریق توزیع کوپن، یک ضرورت اقتصادی در زمان بحران است.

## بیت‌کوین به زیر ۹۰ هزار دلار سقوط کرد

بیت‌کوین با ادامه روند ریسک‌زدایی سرمایه‌گذاران در بحبوحه تنش‌های ژئوپلیتیکی، ریزش شدید در بازارهای مالی جهانی را دنبال کرد و به پایین‌ترین سطح خود در بیش از یک هفته گذشته نزول کرد. به گزارش ایسنا، هم‌زمان با افت بازارهای سهام، اوراق خزانه‌داری بلندمدت آمریکا و اوراق قرضه ژاپن، بزرگ‌ترین رمزارز جهان برای اولین بار از ۹ ژانویه، به زیر ۹۰ هزار دلار سقوط کرد. بیت‌کوین پس از سقوط چهار درصدی در روز سه‌شنبه، صبح چهارشنبه در آسیا به روند نزولی خود ادامه داد و تا ساعت ۹:۲۷ صبح در سنگاپور، ۰.۵ درصد کاهش یافت و به ۸۸هزارو ۸۹۴ دلار رسید. کریم دانداشی، معامله‌گر فرابورس، در شرکت معاملات رمزارز «فلودسک»، گفت: ۹۰ هزار دلار «سطحی بحرانی است که از روزهای ابتدایی سال به‌عنوان سطح حمایتی در نظر گرفته شده و احتمالا نقطه عطف مهمی در کوتاه‌مدت است». توکن‌های کوچک و کم‌نقدتر، سقوط بیشتری داشتند، به طوری که اتریوم بیش از هفت درصد و سولانا ۵.۳ درصد کاهش یافتند. سهام شرکت‌های مرتبط با ارزهای دیجیتال نیز سقوط کردند. «کوین‌بیس گلوبال» ۵.۶ درصد کاهش یافت، درحالی‌که سهام شرکت «استراتژی» تقریبا هشت درصد کاهش یافت. پس از آنکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، با ادعای تسلط آمریکا بر نیم‌کره غربی، نظم پساجنگ را تهدید کرد و با وعده تصاحب گرینلند، اتحاد اروپا و آمریکا را به هم ریخت، بازارهای مالی سقوط کردند. اوراق قرضه ژاپن به دلیل نگرانی‌ها درمورد امور مالی این کشور، سقوط کرد. شیلیانگ تانگ، شریک مدیریتی «موناک اِست منیجمنت»، گفت: «افت شدید بیت‌کوین در آخر هفته، نشان‌دهنده خروج گسترده‌تر از دارایی‌های ریسک‌پذیر در بازارهای کلان سنتی به دلیل تهدید کاخ سفید به اعمال تعرفه بر کشورهای اروپایی و همچنین اختلافات ژئوپلیتیکی بر سر گرینلند است». هم‌زمان، شرکت «استراتژی» مایکل سیلور روز سه‌شنبه اعلام کرد که تقریبا ۲.۱۳ میلیارد دلار بیت‌کوین را در هشت روز گذشته خریداری کرده و بزرگ‌ترین خرید بیت‌کوین خود را از جولای تاکنون انجام داده است. براساس گزارش بلومبرگ، سرمایه‌گذاران رمزارز در سال جاری تاکنون، حدود ۱.۲ میلیارد دلار به ده‌ها صندوق ETF بیت‌کوین ثبت‌شده در آمریکا تزریق کرده‌اند که در ابتدا به افزایش قیمت این رمزارز پس از سقوط آن در سال گذشته، کمک کرده بود.